

## مصاحبه اختصاصی گزارشگر وب سایت انترنیتی حزب نوین مردم افغانستان با احمد ضیا سپهر صدیقی

تعدادی از کاربران شبکه های اجتماعی از ما خواسته اند تا در مورد برگشت امریکا به صحنه بین المللی و پی آمد های بیرون رفتن عساکر امریکا از افغانستان دید گاه های برخی از فعالان شبکه های اجتماعی را مطالبه و نشر نمایم. برای اینکه تقاضای رفقا بدون پاسخ نمانده باشد در نظر داریم تا مصاحبه های اختصاصی را با تعدادی از صاحب نظران انجام بدهیم.

اینک در مورد برگشت امریکا به صحنه بین المللی و پی آمد های بیرون رفتن امریکا از افغانستان مصاحبه را با جناب احمد ضیا سپهر صدیقی انجام داده ایم که در سه قسمت نشر میگردد:  
قسمت اول:

سوال (1)- چرا کشور های اروپایی و مدافعان جهانی شدن از برگشت دوباره امپراطوری امریکا به صحنه بین المللی استقبال می کنند؟

ممنونم از شما که زمینه را فراهم ساختید تا علاقمندان و بازدیدکننده گان این وب سایت انترنیتی بتوانند نظریات، تحلیل ها و دیدگاه های خود را پیرامون گرمترین موضوعات و رویداد های ملی و بین المللی در این برهه ارایه بدارند

از آنجا که پاسخ های طولانی ممکن مورد علاقه بازدید کننده گان این وب سایت قرار نگیرد مفید می پندارم که مطابق روش معمول در شبکه های اجتماعی در مورد سوالات شما به صورت بسیار کوتاه و مؤجز ابراز نظر بدارم

جواب (1) با آنکه مدافعان نئولیبرالیسم و جهانی شدن (گلوبالیسم) یا «جهانی سازی» می کوشند اراده و منافع اقلیتی از صاحبان ثروت و قدرت را با ایجاد انحصارهای نهادینه شده بر دنیا تحمیل کنند، ولی خوب میدانند که تحقق اصل جهانی شدن تجارت، اقتصاد، تولید، فناوری و مناسبات اجتماعی و فرهنگی بدون دنیایی بهتر و برخوردار از صلح و سطح قابل قبول آزادی، برابری و رفاه اجتماعی ممکن نیست، بنابراین نئولیبرالیست ها مقدم از همه برگشت سیاست امریکا را به روند "جهانی سازی" استقبال میکنند.

در مورد اینکه چرا کشور های غرب از ادامه مشی سیاسی - اقتصادی ترامپ نگران بودند و نگران اند؟ باید گفت که با ریشه یابی پایه های اصلی سیاست های اقتصادی و تجاری ترامپ و پوپولیست های راست جهان، در می یابیم که طرد گلوبالیسم در واقع از بُعد اقتصادی بازگشت به مرکانتیلیسم است که با اتکا به عناصری چون قدرت نظامی و سیاسی، یکه تازی در مدیریت سیاست جهان، خروج از پیمان ها و توافقات بین المللی، می خواهد منافع امریکا را به ضرر کشورهای دیگر تأمین نماید. چنین سیاست ها درسرشت خود بر نهادینه کردن نابرابری و ایجاد امتیازات انحصاری تأکید دارد.

اینکه ترامپ را نماینده گرایش ناسیونالیستی امریکایی می شمارند، ریشه در نظریه های اقتصادی مرکانتیلیسم دارد. زیرا این نظریه بر "سوادگرایی" و "ملی گرایی" یا "بومی گرایی" استوار است و بر روشهای صادرات حد اکثر و واردات حد اقل تأکید میورزد. نگرانی اغلب کشور های اروپایی از دوام سیاست های ترامپ بیشتر از همین جهت میباشد، زیرا چنین سیاست اقتصادی در جوهر خود بر نهادینه کردن نابرابری و ایجاد امتیازات انحصاری تأکید دارد و علاوه بر آن تهدیدی برای صلح و ثبات بین المللی شمرده میشود.

سوال- (2) آیا با رفتن ترامپ ضدیت با گلوبالیزم در امریکا پایان یافته است؟

جواب:

ترامپ رفت ولی موج ضدیت با گلوبالیسم و "ملیگرایی انحصاری" همچنان در عرصه سیاسی آمریکا جریان دارد و شگاف بزرگی را در جامعه آمریکا پدید آورده است که هنوز ترمیم نشده و عمیق تر میگردد. این موج در بخش‌های دیگر جهان به شمول اروپا نیز فعال است و به اشکال گوناگون و با استفاده از انگیزه‌های متنوع به گسترش خود ادامه میدهد.

این درست است که پوپولیسم راست در جهان، با شکست ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا تا حدی ضعیف شده است، اما به مثابه یک جنبشی قوی و بسیج‌کننده ضد جهانی سازی در کشورهای سرمایه داری از جمله کشورهای اروپایی فعال است. ما هنوز بیاد داریم که جو بایدن، در نخستین نطق خود در توضیح سیاست خارجی جدید آمریکا از "بازگشت دیپلماسی" و "برگرداندن آمریکا به میان متحدان" خود سخن گفت، اما می بینیم که سیاست خارجی آمریکا در کل نسبتاً ثابت باقی مانده است و بسیار با سیاست ترامپ شبیه است

برگشت بایدن به سیاست آمریکا که پیش از ترامپ وجود داشت دشوار است، چرا که اعتماد به آمریکا کاهش یافته، قدرت ژئوپلیتیک آمریکا طی دهه گذشته کمتر شده و شیوع کرونا فرایند عقب‌گرد از جهانی‌شدن را شدت بخشیده است. بایدن در اغلب موارد از جمله: پایان دادن به جنگ آمریکا در افغانستان، مقابله با قدرت رو با افزایش چین، موضع سخت تر در قبال روسیه از استراتژی ترامپ پیروی می نماید. اما به هر حال برگشت دوباره آمریکا به سوی جهانی شدن و صحنه بین المللی حد اقل این واقعیت را نشان میدهد که عصر استعمار، اشغالگری، و انحصارات تجاری و اقتصادی و "ملیگرایی انحصاری" پایان گرفته و به جای جنگ تجاری و فناوری باید ایجاد فرصت‌های برابر و مشارکت بدون محدودیت همه کشورها در مبادلات تجاری و مالی بین‌المللی و حل معضلات جهانی (افغانستان، یمن، سوریه، ایران، فلسطین) فراهم گردد

**قسمت دوم:**

سوال- (3) آیا امپریالیزم امریکا در حاشیه رانده شده بود که دوباره برگشت ؟

جواب:

"امپریالیزم به طور کلی در نتیجه تکامل سرمایه داری و ادامه خواص اساسی آن به وجود آمده است." (لنین)

این نظام سرمایه داری است که در نتیجه عالی ترین مرحله تکامل خود به امپریالیزم تبدیل گردیده است. مسلط گردیدن مشی سیاسی نیو مرکانتیلیسم در قلمرو امپراطوری امریکا در زمان حاکمیت تیم ترامپ و شکست این سیاست از اثر پیروزی بایدن در انتخابات امریکا و مسلط شدن دوباره سیاست جهانی سازی و نیولیبرالیزم در دولت بایدن همه جزء اقداماتی است که برای حفظ، تحکیم و گسترش نظام تکامل یافته سرمایه داری واپسین یعنی امپریالیزم جهانی به هدف سود اندوزی و تشدید جهان گشایی ابر سرمایه انجام می یابد.

جو بایدن در سخنرانی خود پس از مراسم سوگند تاکید کرد که "آمریکا بار دیگر در نقش "رهبری" که برای خود در سطح بین‌المللی در نظر گرفته باز می‌گردد؛"

واقعیت این است نقشی رهبری کننده ی را که امریکا از جنگ جهانی دوم بر عهده داشته تا کنون آنرا ایفا می نماید، مسلط شدن مشی سیاسی -اقتصادی نیومرکنتالیسم در دوران چهار سال ریاست جمهوری دونالد ترامپ، به هیچ صورت به معنای " غیبت امریکا" در سطح جهانی نبوده این درست است که دکترین سیاست خارجی ترامپ، با اتکا به شعار "اول آمریکا" و ملی گرایی ایدئولوژیکش، با همگرایی بین المللی و همکاری های چندجانبه در سطح جهانی و هنجار های جهانی سازی در برخی موارد همسوی نداشت. اما امریکا از یک سده بدین سود در اتحادی استراتژیک با دیگر کشورهای غربی، در سیاست بین الملل نقش رهبری را حق انحصاری برای خود میداند، به همین دلیل نیز چه در رقابتهای ژئوپولتیک و چه در کنترل سازمانهای جهنمی فرمان روا و اغلب دولت ها درجهان همواره در خط مقدم بوده است.

بصورت موجز میتوان گفت که طی دو سده اخیر نظام جهانی سرمایه داری به اشکال گوناگون در همه پهنه های زنده گی مردمان جهان حضور داشته و در حال گسترش بوده است. ولی بیاد داشته باشیم که در طول تاریخ، امپریالزم هیچگاهی به اندازه امروز بالای زنده گی انسانها تسلط نداشته و هیچ گاه به اندازه امروز از سوی بشریت محکوم نبوده است.

سوال - (4):

جناب سپهر صدیقی، کاربران شبکه های اجتماعی افغانی در مورد پی آمد های بیرون رفتن امریکا از افغانستان نگران اند، پیوسته سوال می نمایند که آیا بعد از خروج کامل امریکا - ناتو از کشور، " جمهوری اسلامی افغانستان" فرومی پاشد یا خیر؟ لطف فرموده در زمینه ابراز نظر فرمائید؟.

جواب:

بایدن برخی اقدامات را برای قرار دادن دوباره امریکا در یک چارچوب چندجانبه جهانی خیلی سریع انجام داد (به توافق آب و هوایی پاریس پیوست، مجدداً وارد شورای حقوق بشر سازمان ملل شد و از تمایل خود برای بازگشت به توافق هسته ای ایران سخن گفت) از جمله در مورد اخراج نیرو های نظامی امریکا از افغانستان عجولانه و یک جانبه تصمیم گرفت و افغانستان را در وضعیت بسیار پیچیده و خطرناکی قرار داد. امروز افغانستان به سوی پیامد ها و گزینه های غیر قابل انتظار سوق میگردد. این که در نهایت کدام این گزینه ها تبدیل به واقعیت می شود، ما نمی دانیم. باید انتظار بکشیم و ببینیم که اوضاع چگونه تحول و انکشاف می کنند، مقامات ارشد دولت های درگیر در جنگ افغانستان وضعیت افغانستان را بعد از خروج نیرو های نظامی امریکا - ناتو مبهم می پندارند. لوی درستیز اردوی ایالات متحده امریکا با خبرنگاران اسوشیتد پرس و «سی ان ان» ساعاتی پس از شروع خروج نیروهای بین المللی از افغانستان در پاسخ به این سوال که آیا نیروهای امنیتی افغانستان در برابر فشارهای فزاینده تاب خواهند آورد گفت: " من فکر می کنم سلسله ای از سناریوها، پیامدها و احتمالات ممکن وجود دارد. در یک جانب، برخی پیامدهای ممکن بد و درآماتیک و در جانب دیگر، افغانستان اردویی دارد که در کنار هم باقی می ماند و حکومتی دارد که متحد می ماند."

از دید ما اگر شرایط سیاسی - نظامی برای خروج عساکر امریکا - ناتو فراهم میبود یقیناً خروج آنها مورد استقبال مردم افغانستان قرار میگرفت زیرا خروج عساکر بیگانه و پایان یافتن اشغال سرزمین افغانستان آرزوی مردم این سرزمین است. اما برنامه جو بایدن برای خروج کامل نیروهای آمریکایی از خاک افغانستان تا

۱۱ سپتامبر امسال، می‌تواند پیامدهای جدی بد و فاجعه آفرین داشته باشد و اوضاع را به سمتی که طالبان، تروریستان و شبکه های مافیایی - جهادی از آن نفع ببرند سوق دهد. با خروج کامل نیروهای خارجی احتمال برگشتن به دوران جنگ‌های خطرناک داخلی وجود دارد در آن صورت افغانستان دوباره به سرزمین تروریسم بین‌المللی مبدل خواهد شد، در یک جمله باید گفت که: ماندن یا خروج عساکر امریکا - ناتو هر دو، هم پیامد های قابل پیشبینی و هم عواقب پیشبینی نشده دارند. در هر حالت مردم بی دفاع افغانستان قربانی این رهکار های پراز تزویر، دروغ و مکر مانند گذشته خواهند بود.

در مورد سوال شما باید گفت که: یکی از احتمالات بعد از خروج عساکر امریکا و ناتو از افغانستان بمیان آمدن وضعیتی مشابه در دهه 1990 می‌باشد. در آن زمان سربازان اتحاد شوروی از افغانستان خارج شدند، دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان با داشتن نیرو های امنیتی و دفاعی بزرگ و منظم و با داشتن سرقوماندانی جنگی واحد و مسلکی و یک حزب بزرگ سرتاسری وطنپرست، نتوانست بیشتر از سه سال باقی بماند، از هم فرو پاشید. (قوای مسلح جمهوری اسلامی ناتوان است، قدرت رزمی آن روز تا روز زائیل می‌گردد و شبکه های جهادی مافیایی در همدستی با گروه های طالبان تجهیزات جنگی دولت جمهوری اسلامی را تصاحب می‌کنند).

در تحركات نظامی و سیاسی جاری نشان های دیده می شود که کشور بطرف فروپاشی بی ثباتی و اناشیزم به نفع طالبان، تروریستان و شبکه های جهادی-مافیایی کشانیده شده است، برگشت دوباره افغانستان به وضعیت قبل از آغاز خروج عساکر امریکا - ناتو کار دشوار و بسیار زمانگیر به نظر میرسد مگر اینکه امریکا رهکاری دیگری را در نظر داشته باشد

### قسمت سوم-

سوال ( 5) - آیا احتمال گسترش القاعده یا داعش و دیگر شبکه های تروریستی بعد از خروج عساکر امریکا وجود دارد؟  
جواب:

در وضعیت جاری با در نظر داشت اینکه از یک سو (با آنکه رهبری و مدیریت اصلی گروه طالبان بدست پاکستان میباشد)، طالبان رهبری جنگی - سیاسی مرکزی متحد و واحد ندارند، (در واقع آنها چتر و آدرسی برای همه نیرو ها و نهادهای اند که به گونه ای با آمریکایی ها می‌جنگند). و شاخه های نظامی آن با تنظیم ها و شبکه های تروریستی منطقه یی و بین‌المللی مانند القاعده یا دولت اسلامی "داعش" روابط دارند و با یک دیگر کمک کرده و می‌کنند و همچنان با گروه های افراطی کوچکتري از جمله جنبش اسلامی اوزبیکستان، کتیبه امام البخاری، کتیبه التوحید و الجهاد، اتحادیه اسلامی جهاد و نیروهای جنبش اسلامی ترکستان شرقی (ETIM) که جداگانه فعالیت می‌کنند نیز در ارتباط هستند. و از سوی دیگر شبکه ها و نیرو های داعش که در سالهای اخیر از سوی نهادها و شبکه های حامی آنها در افغانستان جابجا گردیده اند فعال اند، بنابراین احتمال قوت گرفتن، تشدید فعالیت و گسترش القاعده و داعش در افغانستان بعد از خروج کامل عساکر امریکا - ناتو زیاد وجود دارد. این موضوع جهان غرب و کشور های منطقه را نسبت به همه ای احتمالات دیگر بیشتر نگران وضعیت بعد از خروج امریکا - ناتو از افغانستان ساخته است. احتمال آن وجود

دارد که امریکا در مورد حفظ شبکه های استخباراتی - نظامی خود تجدید نظر نماید. یا در زیر چتر موسسات امنیتی حضور نظامی خود را تداوم بخشد. یا رهکاری دیگری را ارائه نماید.

سوال (6) - جناب سپهر صدیقی طوریکه شما آگاهی دارید جو بایدن، رئیس جمهوری آمریکا (چهارشنبه، 14 اپریل) در سخنرانی خود گفت:

" روند خروج نیروهای نظامی آمریکا از افغانستان تا 11 سپتامبر، هم زمان با بیستمین سالگرد حملات القاعده به برج های نیویارک، پایان می یابد ما نمی توانیم چرخه ی تمدید یا گسترش حضور نظامی خود را در افغانستان به امید ایجاد شرایط ایده آل ادامه دهیم و انتظار نتیجه متفاوتی را داشته باشیم". او گفت: "به شکل نظامی در مسأله افغانستان درگیر نخواهیم بود، اما فعالیت دیپلماتیک و کمک های بشردوستانه ما ادامه خواهد داشت".

آیا با خروج همه نیروهای امریکا و ناتو تا ماه سپتامبر از افغانستان، سرانجام پاکستان پس از صدها اقدامات و توطئه های خونین به آرزوی خود خواهد رسید؟  
جواب -

به پندار من بازگشت طالبان به قدرت یا شریک شدن در قدرت اگر از یک سو می تواند شرایط را برای تحقق اهداف پاکستان در افغانستان فراهم سازد و باعث گسترش نفوذ آن کشور در سیاست، فرهنگ و اقتصاد افغانستان گردد، از سوی دیگر شیوع افراط گرایی شدید دینی گلوی دولت پاکستان را فشار خواهد داد. راه اندازی پروژه ی طالبان از خاک پاکستان و پناه دادن دولت پاکستان به شورشیان طالبان طی دو دهه ی گذشته باعث ایجاد و گسترش شبکه های طالبان در بین اقوام و قبایل پاکستان ( به ویژه اقوام پشتون ) گردیده و پاکستان را در وضعیت شکننده ی قرار داده است.

اکنون پاکستان به حیث کشوری با سلاح هسته ای از سقوط اقتصادی، نا آرامی های اجتماعی، تحرکات اقلیت های زیر ستم، و جنگجویان افراطی اسلامی که خود برای مهار آن تلاش می کند رنج میبرد و ضربه می بیند. همین اکنون گروه های افراطی مذهبی پاکستانی عرصه را برای "جامعه مدنی" در پاکستان تنگ کرده اند- و اغلب روشنفکران و عناصر ترقیخواه را به دلیل مخالفت با افراط گرایی مورد هدف قرار می دهند- و حتی در صفوف نیروهای امنیتی پاکستان هواداران خود را دارند. نشانه هایی وجود دارد که نشان می دهد گروه های افراطی در پاکستان با پیروزی احتمالی طالبان جسورتر و فعالتر گردیده اند. طالبان پاکستانی، فعالیت های خود را در مناطق قبایلی هم مرز با افغانستان افزایش داده اند و افراز دسته های کمین و حملات تروریستی آنها در برابر نیروهای امنیتی پاکستان بیشتر شده است و مشکلات جدی را برای دولت پاکستان به وجود آورده است.

حکومت موجود پاکستان خوب میدانند که گروه طالبان را نمیواند در بست در جهت تحقق سیاستهای جاری خویش سوق بدهد

بازگشت طالبان به قدرت ( به شکل انحصاری یا شرکت در قدرت)، چه از طریق جنگ داخلی یا از طریق توافق " صلح نیابتی "، بیشتر به نفع جنبش های افراطی در پاکستان است و برای آنها الهام بخش می باشد، پیوند های ایدئولوژیک که میان این گروهها در مدارس دینی ( نهاد های آموزشی مذهبی - نظامی ) سراسر

آن کشور در جریان آموزش ایجاد و تحکیم گردیده است، باعث آن میگردد که طالبان در قضایای داخل پاکستان جانب نهاد های متعلق به افراط گرایان را بگیرد.

پاکستان با آغاز پروژه طالبان استراتژی "کنترول افغانستان از طریق گروه طالبان" را وضع نمود و آنرا با پروژه جنگ امریکا در افغانستان گره زد.

طوریکه مشاهده میگردد دیگر برای پاکستان مقدور نیست که کنترول افغانستان را از طریق طالبان بدست آورد. هرگاه افغانستان بسوی یک جنگ داخلی برود، کنترول و مدیریت طالبان و سایر گروه های شبه نظامی وابسته آن برای پاکستان ناممکن است. پاکستان به هیچ وجه نمی تواند گروه های القاعده، دولت اسلامی " داعش" و سایر گروه ها را که از قبل در افغانستان فعالیت می کنند و دارای منافع، رهبران سیاسی و جنگی و اهداف مختلف هستند را کنترول کند.

باید در نظر داشت که اگر افغانستان به هرج و مرج کشیده شود، پاکستانی ها یک بار دیگر فشار همانند فروپاشی افغانستان پسا خروج شوروی در دهه ۱۹۹۰ را احساس خواهند کرد. میلیون ها افغان برای جستجوی امنیت نسبی وارد پاکستان میگردند این بار پاکستان توانایی برگشت آنها را نخواهد داشت زیرا طالبان علاقمند مسدود ساختن مرز با پاکستان و تحکیم " دیوار خار دار سرحدی " نمیباشند